



نمایش سازمان‌های امنیتی نوعی راه رفتن روی لبه تیغ است. اثر باید به مخاطب احساس امنیت بدهد و نباید اقتدار خودی‌ها تخیلی جلوه کند. بنابراین مهم نیست که برساخت نمایشی واقعیت، چقدر واقعی است، بلکه کافی است باورپذیر باشد. گاندو از این نظر موفق عمل کرد

فانج‌ویک

ویژه‌نامه رادیو و تلویزیون روزنامه جام جم  
شنبه ۲۲ تیر ۹۸ - شماره ۶۷۳

دربین

۷

گاندو چگونه به موفق‌ترین سریال سال ۹۸ تبدیل شد؟

# جوان‌های ایرانی علیه جاسوس‌های بین‌المللی

مجموعه تلویزیونی گاندو که هفته گذشته به پایان رسید، از حیث شمار بینندگان، بدون تردید موفق‌ترین سریال سال ۹۸ سیما بود. موجی که گاندو درست کرد، طوری بود که بسیاری از ما صبح‌ها در محل کار خود درباره آن صحبت می‌کردیم؛ اتفاقی که مدت‌ها بود برای هیچ سریال تلویزیونی نیفتاده بود. اگرچه بخشی از مخاطب بالای سریال گاندو، به دلیل محتوای آن از جمله قصه واقعی و کنایه‌های سیاسی بود، اما کیفیت ساخت قابل قبولی داشت و در مجموع سریال موفق لقب گرفت.

مصطفی قاسمیان  
خبرنگار



## تبدیل خوب پرونده به درام

نگارش درام از درون پرونده‌های امنیتی، کار دشواری است. نویسنده هیچ‌گاه نخواهد توانست به صورت کامل به اسناد و پرونده‌های واقعی وفادار بماند، زیرا همیشه بخش‌هایی از پازل پرونده، به دلیل تحفظات امنیتی، قابل بازگردن نیست. به همین دلیل آنچه باقی می‌ماند، ناقص و دارای حفره است. در مقابل در صورتی که قصه بیش از حد لازم از تخیل نویسنده بهره ببرد، جنبه واقعی بودن قصه از بین می‌رود. در برخی موارد مشابه، گاهی تخیل زیاد نویسنده، محصول نهایی را به یک کمدی ناخواسته تبدیل کرده بود! اما آرش قادری، نویسنده گاندو در تبدیل پرونده‌های امنیتی به درام، خوب عمل کرده است.

## برساخت باورپذیر سازمان امنیتی

نمایش سازمان‌های امنیتی در سینما و تلویزیون، نوعی راه رفتن روی لبه تیغ است. از طرفی تماشای اثر باید به مخاطب احساس امنیت بدهد و از طرفی نباید اقتدار خودی‌ها، تخیلی جلوه کند. بنابراین مهم نیست که برساخت نمایشی واقعیت، چقدر واقعی است، بلکه کافی ست باورپذیر باشد. گاندو از این نظر موفق عمل کرد، یعنی تصویری که برای مخاطب از مقرهای امنیتی به نمایش گذاشت، باورپذیر از آب درآمد.

## انتخاب درست افشار



یکی از نقاط کلیدی موفقیت گاندو انتخاب صحیح کارگردان بوده است. جواد افشار کارگردانی باتجربه در عرصه سریال‌های تلویزیونی است. او پیشتر کیمیا، مادرانه، برادر، آتام و... را ساخته و امتحان پس داده است. انتخاب یک کارگردان جوان و کم‌تجربه، می‌توانست ضربه مهلکی به آبروی این مجموعه با این حساسیت و اهمیت مضمونی باشد. حتی گاهی برخی فیلمسازان باتجربه هم هستند که در عین داشتن کارنامه پربار، در سال‌های اخیر مورد اقبال قرار نگرفته‌اند. اما جواد افشار محبوب‌ترین آثارش را در همین سه چهار سال اخیر ساخته و نشان داده فعلاً رگ خواب مخاطب را می‌شناسد.

## ورود چهره‌های جدید

تقریباً همه بازیگران گروه مأموران امنیتی سریال، جدید هستند. طبعاً دیدن چهره‌های جدید در یک سریال تلویزیونی، جذاب‌تر از بازیگرانی است که حضور مداومی روی آنتن دارند. وحید رهبانی مدت‌هاست دیده نشده، مجید نوروزی بعد از سریال زیر پای مادر در اثر پربیننده دیگری حضور نداشته، عرفان ابراهیمی و علی افشار نیز با وجود این که در چندین سریال حضور داشته‌اند، اما چهره‌های شناخته‌شده‌ای برای مخاطب نیستند. از این جمع تنها پندار اکبری سابقه فراوان بازیگری در تلویزیون دارد. ناگفته نماند بازیگران قدیمی‌تر سریال گاندو مثل داریوش فرهنگ و پیام دهکردی نیز به خوبی روی شخصیت می‌نشینند.

## جاسوس‌بازی ایرانی

گاندو یک نمونه سروشکل‌دار در گونه جاسوسی است که با وجود برخی نقاط ضعف، اثر نسبتاً خوش‌ساختی از آب درآمده است. این در حالی است که گونه جاسوسی در سینما و تلویزیون کشور ما ضعیف است و این موضوع دلایل مختلفی دارد که خب موضوع این گزارش نیست.

همین حالا اگر به آخرین سریال جاسوسی تلویزیون فکر کنیم، احتمالاً نمونه قابل‌ذکری که به ذهن می‌رسد، هوش سیاه است که سال ۸۸ ساخته شده. اتفاقاً فیلمنامه هوش سیاه هم دست‌بخت آرش قادری نویسنده گاندو است که در زمینه جاسوسی، از چهره‌های پیشرو تلویزیون بوده است. او در نگارش فیلمنامه گاندو نیز عملکرد مناسبی داشته و به خوبی پرونده واقعی را دراماتیزه کرده تا جذابیت داشته باشد.

## یک داستان واقعی

ماجرای جیسون رضاییان برای بسیاری از مردم که در آن زمان اخبار این ماجرا را دنبال می‌کردند، ملموس است. مخاطبان به دلیل نزدیکی زمانی به واقعه، آن را به یاد دارند و یکی از دلایل موفقیت سریال گاندو همین است. این در حالی است که سینما و تلویزیون کشور ما در دراماتیزه کردن اتفاقات واقعی، سابقه چندانی ندارد. گرچه در سال‌های اخیر نمونه‌های معدودی چون شبی که ماه کامل شد، به وقت شام و چهارراه استانبول در سینما ساخته شده، اما به جز گاندو سریال تلویزیونی دیگری نمی‌شناسیم که یک داستان واقعی را از اتفاقات یک دهه اخیر کشور، به درام تبدیل کرده باشد.

بسیاری از اتفاقات تاریخ معاصر ما این ظرفیت را دارد. در مقابل آمریکایی‌ها خوب بلدند از اتفاقات واقعی درام بسازند؛ چه در هالیوود و چه در شبکه‌های تلویزیونی. در دو دهه اخیر تقریباً هر اتفاق مهمی در این کشور افتاده، ابتدا به یک داستان یا کتاب خاطرات تبدیل شده و بعد به فیلم یا سریال. حتی همین جیسون رضاییان هم بلافاصله پس از بازگشت، نگارش کتاب خاطرات خود را شروع کرد؛ کتابی که مدت‌هاست منتشر شده. بنابراین ممکن است هالیوود، روزی روایت جاسوس‌شان را از این اتفاقات روی پرده ببرد؛ روایتی که قاعدتاً تحریف‌های زیادی خواهد داشت.